

مطالعه معماری ابنیه حاشیه شمالی خلیج فارس در قرون میانی اسلامی

احسان محمدحسینی^۱

فاطمه کردی^۲

سید محسن حاج سید جوادی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴

چکیده

می‌دهد که باوجود استفاده گسترده از مصالح بومی مانند مرجان‌های دریایی که به‌وفور در دسترس ساکنان این مناطق است، سبک معماری رایج در قرون میانی اسلامی و عصر ایلخانی در مناطق شمالی خلیج فارس، به همان شکل رایج در سایر نقاط ایران است.

کلیدواژه

خلیج فارس؛ معماری اسلامی؛ قرون میانی اسلامی؛ معماری خلیج فارس؛ سبک ایلخانی.

مقدمه

خلیج فارس در طول تاریخ سکونت انسان در سرزمین امروزی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در این میان دوران اسلامی و به‌ویژه قرون میانی اسلامی از قرن هفتم تا نهم هجری را می‌توان دوره طلایی هنر و معماری این سرزمین به حساب آورد. در این دوران آثار معماری هنری متعددی در سراسر ایران ساخته شد که از سبک و الگوی خاصی پیروی می‌کنند و در بین کارشناسان، از آن

معماری ایران در دوران میانی اسلامی شاهد شکوفایی خاصی در سبک‌های معماری و تزئینات وابسته به آن است. در این دوره آثار و بناهای متعددی در سراسر ایران ساخته شد که ضمن تأثیرپذیری از سبک‌های معماری پیشین، خود نیز دارای ویژگی‌ها و سبک منحصر به‌فردی هستند که از آن به‌عنوان سبک معماری ایلخانی یاد می‌شود. این ابنیه تاریخی در منطقه حاشیه شمال خلیج فارس از الگوی ویژه‌ای پیروی می‌کنند که افزون‌بر به‌کارگیری الگوهای رایج این دوره همچون ایوان‌های بلند و استفاده از کاشی‌های معرق از الگوهای بومی نیز تأثیر گرفته‌اند و استفاده از مصالح بوم‌آورد نیز در آنها مشاهده می‌شود. در این پژوهش، ۷ مجموعه معماری در استان‌های بوشهر و هرمزگان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مطالعه نمونه‌های بررسی شده نشان

۱. دکترای باستان‌شناسی، مدرس مدعو دانشگاه پیام نور قزوین و دانشگاه دهخدا قزوین (نویسنده مسئول).

ehsan.m.hoseini@gmail.com

۲. دکترای باستان‌شناسی. com.gmail@kordi.m.fateme

۳. استادیار گروه هنر و معماری، دانشگاه پیام نور، مرکز قزوین. hajsayyedjavady@yahoo.com

طبیعی سرزمین ایران در آن توصیف شده است. بر این اساس در نزدیکی بصره امروزی، بندری به نام ابوله^۱ وجود داشت که در زمان خلفای عباسی نقش مهمی در تجارت با سرزمین‌های شرقی و به‌ویژه چین و هندوستان ایفا می‌کرد (اصطخری، ۱۳۴۰: ۸۳؛ ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۴۶؛ راثین، ۱۳۵۰: ۱: ۳۰۷). بندر سیراف در خلیج فارس نیز در این روزگار اهمیت بسیار زیادی داشت و نقش مهمی در روابط تجاری ایران ایفا می‌کرد (اصطخری: ۱۱۳: ۱۳۴۰، ۱۲۱ و ۱۳۴). بندر هرمز نیز از اهمیت بسیار زیادی در تجارت با مناطق مختلف جهان آن روز برخوردار بود و از آنجا کشتی به سرانندیب، گجرات و نواحی دیگر می‌رفت (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۴۲؛ راثین، ۱۳۵۰: ۱: ۳۰۷). بسیاری از جغرافی‌نویسان از اهمیت تجاری و اقتصادی سیراف سخن گفته‌اند. در کتاب «عجایب‌الهند» رامهرمی از بازرگانی اهل سیراف به نام محمدبن مسلم سیرافی نام برده شده که بیش از بیست سال در بندر تانه مقیم بوده و به بیشتر شهرهای هند سفر کرده است (رامهرمی، ۱۳۴۸: ۱۲۲). او در این کتاب ارتباط تجاری بین بندرهای صیمور، تیز و سندان و دیگر مراکز تجاری هند با سیراف را شرح داده و حتی به نام کشتی‌ها، بازرگانان و شرح مشکلات و مسائل آنها، مقدار کالاها و غیره اشاره کرده است (رامهرمی، ۱۳۴۸: ۸۴ و ۱۳۵-۱۳۳). این کشتی‌ها عمدتاً بزرگ و دارای ظرفیت حمل ۴۰۰ مسافر و خدمه بوده و حتی در برخی منابع به قابلیت حمل ۶۰۰ خدمه، ۴۰۰ تیرانداز و هزار مسافر نیز اشاره شده است (Nadvi, 1933: 303).

خلیج فارس و شهرهای آن در قرون میانی اسلامی

بنابر پژوهش‌های انجام گرفته پیش‌رفتگی اقیانوس هند تا کناره‌های کرانه استان‌های هرمزگان، بوشهر و خوزستان از زمان هخامنشیان به نام خلیج فارس خوانده می‌شده است. هم‌زمان با حکومت اتابکان فارس در سده‌های ششم و هفتم هجری قمری، جزایر خلیج فارس از جمله کیش به اوج رونق و عظمت رسید و به‌عنوان خزانه اتابکان فارس شهرت یافت. در زمان ایلخانان مغول و دوره تیموریان، جزیره کیش به‌عنوان

با عنوان سبک معماری ایلخانی یاد می‌شود. منطقه شمالی خلیج فارس نیز از این قاعده مستثنا نبوده و وجود بناها و آثار فراوان مربوط به قرون میانی اسلامی در این منطقه علاوه بر تأثیرپذیری از سبک رایج معماری کشور از دیگر سبک‌های خاص منطقه نیز بهره گرفته است. در این پژوهش هفت بنا و مجموعه شاخص معماری و هنری از دوران میانی اسلامی در استان‌های هرمزگان و بوشهر انتخاب شده و از نقطه‌نظر باستان‌شناسی، معماری و هنر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تمدن ایلام قدیم و تمدن‌های بین‌النهرین در اطراف این منطقه شکل گرفته‌اند. از آن زمان تاکنون، خلیج فارس مرکز ثقل تجارت و از اساسی‌ترین آبراهه‌های بین‌المللی بوده است که توجه کشورگشایان و قدرت‌های بزرگ را به خود جلب کرده است. از آنجا که اسلام نیز در همین منطقه نشو و نما یافت و به تدریج در اطراف آب‌های خلیج فارس گسترش پیدا کرد، مسلمانان به سرعت بر تمام سواحل منطقه تسلط یافته و بازرگانان مسلمان از بندرها و سواحل آن به نقاط مختلف دنیا به دادوستد کالا و در خلال آن به مبادلات فکری و فرهنگی پرداختند.

اهمیت تجاری سرزمین‌های شمالی خلیج فارس در روزگار اسلامی

مسیرهای بازرگانی در دوران مختلف تاریخی از جمله قرون میانی اسلامی بسیار با اهمیت بودند و این شریان‌های بازرگانی را می‌توان مهم‌ترین مراکز تأمین‌کننده مالی و اقتصادی کشورها محسوب کرد. در این میان تأمین امنیت راه‌ها، نقشی کلیدی در توسعه بازرگانی داشت که این موضوع به‌طور مستقیم با قدرت حکومت مرکزی مرتبط بوده و از سوی دیگر بسیاری از حکومت‌ها تلاش می‌کردند با اعزام مکتشفانی معتمد، اطلاعات دقیقی از راه‌ها و مناطق مختلف کشور و عوارض جغرافیایی کسب کنند. یکی از مهم‌ترین اقدامات انجام شده در این زمینه طی روزگار پس از اسلام، کتاب‌های «مسالک» و «ممالک» است. این دو کتاب در قرون سوم و چهارم هجری توسط ابن‌خردادبه و اصطخری نوشته و ویژگی‌های جغرافیایی و

پارس و بندرها و جزیره‌های آن را بر قلمرو مسلمانان افزود. پس از چیرگی عرب‌ها، دیلمیان نخستین دودمان ایرانی بودند که بار دیگر بر سراسر جزیره‌ها، بندرها و آب‌های استان هرمزگان و دیگر نقاط خلیج فارس چیره شدند.

هرمزگان، عمان و بندرها و جزیره‌های آن به ترتیب در سال‌های ۳۲۳ و ۵۳۴ ه.ق، توسط علی (عمادالدوله) و احمد (معزالدوله) به قلمرو آل‌بویه ملحق شدند. حکومت آل‌بویه، در زمان عضدالدوله گسترش یافت و در تمام مدت حکومتشان، فارس و هرمزگان در قلمرو فرمانروایی آنها بود. پس از دیلمیان، سلجوقیان کرمان از سال ۴۵۴ تا ۵۸۳ ه.ق بر منطقه خلیج فارس، از جمله استان هرمزگان و عمان تسلط پیدا کردند. در دوران سلجوقی، از سوی فرمان‌روایان این خاندان، حاکمانی با عنوان اتابک، به مناطق گوناگون رهسپار می‌شدند. اتابکان فارس بر عمان، بحرین و کرانه‌ها و جزیره‌های خلیج فارس دریای عمان (مکران) دست یافتند و حکومت آنان تا ۶۶۱ ه.ق، بر فارس و هرمزگان برقرار بود. در این سال سلجوق شاه سلغری بر هلاکوخان مغول شورید، اما شکست خورد و حکومت فارس، هرمزگان و تمامی منطقه خلیج فارس به دست مغولان افتاد. در دوره فترتی که بین سپری شدن حکومت ایلخانان مغول و برآمدن تیموریان قرار داشت، حکومت هرمزگان و خلیج فارس در اختیار مظفریان بود.

تیمور لنگ به سال ۷۸۵ ه.ق، سیستان را فتح کرد و در یورش‌های بعدی خود، اصفهان، فارس، بوشهر، بندرها و جزیره‌های هرمزگان را به قلمرو خویش افزود. تیموریان تا سال ۸۷۳ ه.ق که بر ایران حاکم بودند، خراج بندرها و جزیره‌های خلیج فارس و دریای عمان (مکران) را دریافت می‌کردند. وزیری در «جغرافیای کرمان» می‌نویسد:

«مینوجان یا منوجان از قلاع قدیمی عهد ساسانی است که در زمان مؤلف ۱۲۹۳ ه.ق، هنوز آبادان بوده، اما قلعه محل نگهداری گناهکاران و قانون‌شکنان بوده است» (وزیری کرمانی، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

مهم‌ترین مرکز تجاری و بازرگانی منطقه خلیج فارس، نقشی اساسی در برقراری ارتباط بین اقوام و ملل مختلف ایفا می‌کرد. تمامی کشتی‌های تجاری شرق و غرب در کیش پهلو می‌گرفتند و با درآمد حاصل از عوارض کشتی‌ها و سایر عایدات تجارت، هر روز بر رونق و آبادانی این جزیره افزوده می‌شد. در زمان ایلخانان مغول امتیاز تجارت آزاد در ایران به ونیزی‌ها داده شده بود و آنها از این امتیاز سود بسیاری بردند اما این امتیاز در زمان تیموریان توسط تیمور لنگ لغو شد. لغو این امتیاز باعث شد تا دریانوردان اروپایی به کشف راه‌های دریایی جدید فکر کنند.

به تدریج منطقه خلیج فارس اهمیت تجاری خود را از دست داد ولی همچنان از نظر سیاسی و استراتژیک مرکز توجه بود و باعث تسلط استعمارگران بر منطقه شد. حمدالله مستوفی قزوینی در کتابش تحت عنوان «نزهة القلوب»، اطلاعات متعددی از شرایط جغرافیایی ایران در قرون میانی اسلامی ارائه کرده و ضمن اشاره به جزیره کیش، از آب‌انبار این شهر چنین یاد کرده است: «آب باران در آب‌انبارها جمع می‌شود» (حمدالله مستوفی، ۱۳۷۸: ۱۶۴).

مارکوپولو، جهانگرد مشهور ایتالیایی در سال‌های ۱۲۷۲ و ۱۲۹۳ م. در راه سفر به هند از بندر هرمز دیدن کرد و بندسی و هفتم کتابش را به هرمز اختصاص داده و ضمن اشاره به موقعیت بندری هرمز و رونق آن در رابطه با تجار هندی، می‌نویسد:

«هرمز که ناحیه‌ای قدیمی است، محل دادوستد بازرگانان خلیج فارس و جزایر قیس (کیش) و غیره بوده است و کشتی‌های بزرگ مملو از ادویه، مروارید، پارچه‌های زربفت، سنگ‌های قیمتی، عاج فیل و اجناس بسیاری به این بندر وارد می‌شده است» (میراحمدی، ۱۳۶۷: ۱۲۱ و ۱۲۲).

در نخستین سال‌های حکومت اسلامی، کرانه‌های هر دو سوی دریای فارس، از جمله استان هرمزگان به دست مسلمانان افتاد. ابوهریره، در زمان حکومت عمر ابن خطاب (خلیفه دوم) به بحرین و کرانه‌های باختری خلیج فارس حمله کرده و سپس به بخش‌های شرقی‌تر رسیده و تمامی دریای

مقدسی از شهری به نام «منوقان» یا «منوفان» و از سکونت‌گاه‌هایی مانند دره‌فان، هرمز و درقان یاد می‌کند. درباره «منوفان» می‌نویسد:

«این شهر بصره کرمان است و آذوقه خراسان از خرمای خوب و ارزان از آنجاست... دوری آنها از دریا دور روز راه و تا دره‌فان چند روز است» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۶۸۹-۶۹۰).

در شمال شرقی منوجان در راه ریگ آنکه در سه منزلی بندر هرمز است، در شهر باس و جکین در همسایگی یکدیگرند. هرمز کهنه تا ساحل دریا نصف روز راه فاصله داشت، که به نقل از اصطخری در کنار باریکه‌ای از خلیج فارس که کشتی‌ها به آنجا رفت و آمد می‌کردند و «انجیر» نامیده می‌شد، واقع بود. خرابه‌های این شهر هنوز در محلی که «مناب یا مناو» گویند، دیده می‌شود. هرمز کهنه جای خود را به کیش داد (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۴۲-۱۴۳).

ابن خردادبه (۳۰۰ هـ ق / ۹۱۳ م.) از جزیره‌ای نزدیک به هرمز موسوم به ارموز نامبرده که به عقیده لسترنج همان جرون است. لسترنج با استناد به منابعی که نام نمی‌برد، می‌نویسد:

«در سال ۷۱۵، سلطان هرمز شهری را که در کنار دریا بود برای اینکه دزدان پیوسته آن را مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند، ترک کرد و هرمز نو را در جزیره‌ای که از آن اسم بردیم و به جزیره جرون یا زرون معروف است و تا کناره دریا یک فرسخ مسافت دارد، بنا نمود» (لسترنج، ۱۳۷۷: ۳۴۱).

بر اساس مستندات تاریخی مشخص شده است که در زمان ابن بطوطه، بندر هرمز دارای اهمیتی بین‌المللی بوده و بازرگانان و تجار ثروتمندی از سراسر جهان در این جزیره حضور داشتند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۵۲۳-۵۲۴). لسترنج از ابن بطوطه و گفته او در رابطه با هرمز این چنین می‌نویسد:

«ابن بطوطه می‌گوید هرموز کهنه را در زمان او [حمدالله مستوفی] موغستان می‌نامیدند و شهر نو را به نام جزیره جرون می‌گفتند و آن شهری نیکو بود و بازارهای آباد و مسجد جامعی داشت و بازار کالاهای هند و سند بود» (لسترنج، ۱۳۷۷: ۳۴۲).

در سال ۶۱۱ هـ ق تاج‌الدین ابوبکر از اتابکان فارس، به حکم سلطان محمد خوارزمشاه بعد از شکست حرب‌ابن محمد بن ابوالفضل در سیستان همراه با قوایی که از طرف ملک زوزن و سلطان محمد به‌عنوان کمک ارسال شده بود، کرمان و سیستان را تسخیر کرد. از آنجا نیز به طرف جنوب پیشروی کرده و در بلوچستان فرود آمد و پس از آن راهی سواحل دریای عمان شد. تاج‌الدین بکر تمام سواحل دریای عمان که اشاره روشنی است بر هرمزگان امروزی فتح کرده، خطبه به نام سلطان محمد خوانده شد. سلطان محمد ممالک تازه گشوده شده را به پسرش غیاث‌الدین پیر واگذار نموده و تاج‌الدین نیشابوری را نیز به وزارت وی منصوب کرد. به دنبال استیلای مغول، غیاث‌الدین به قلمرو خود آمده و آنجا را تا عقب‌نشینی جلال‌الدین خوارزمشاه به هند و عراق اداره کرد و سپس در کرمان «براق حاجب قراختایی» را به‌جای خود گذاشته، به عراق رفت (قفس اوغلی، ۱۳۶۷: ۲۴۴-۲۴۵).

بررسی ابنیه شاخص مناطق شمالی خلیج فارس در قرون میانی اسلامی^۱

لازم به توضیح است که اعضای گروه پژوهشی نگارنده این مقاله از تمامی بناهای معرفی شده در این تحقیق به‌طور میدانی بازدید کرده و کلیه تصاویر و اطلاعات ارائه شده از بناهای ذیل، ماحصل فعالیت میدانی اعضای گروه است.

مقبره بی‌بی تم‌سنتی

مقبره بی‌بی تم‌سنتی در روستای تم‌سنتی در جزیره قشم واقع در استان هرمزگان است. این بنا از جنس سنگ و مرجان همراه باروکش آهک صدفی ساخته شده که نشان دهنده استفاده از مصالح بومی توسط معماران است. در اطراف این محوطه به‌صورت پراکنده سفال‌های دوران مختلف از ایلخانی، صفوی و قاجار دیده می‌شود.^۲

۱. همه عکس‌ها و تصاویر این مقاله از دکتر احسان محمدحسینی و طی بازدیدهای میدانی مستقیم در اردیبهشت ۱۳۸۸ گرفته شده است.
۲. بازدید میدانی تیم نگارنده مقاله از منطقه.

و در چهارگوشه بنا با گوشه‌سازی که در داخل هر طاق نما دو طاقچه کوچک اجرا شده است، حالت هشت ضلعی القاء می‌شود. در داخل اتاق مقبره تلی از خاک دیده می‌شود که روی آن یک پارچه سبزرنگ کشیده شده است، بیانگر اعتقاد اهالی روستا به تدفین شخصی بزرگ و احتمالاً امام‌زاده در این محل است.



تصویر ۳. کاشی‌های لعاب‌دار ایلخانی مقبره بی‌بی تم‌سنتی

در بالای طاق‌نماها در چهار جهت اصلی، چهار نورگیر دیده می‌شود و بنا از داخل با کنگره‌ها و مقرنس‌های مثلی ساده به گنبد ختم می‌شود. جنس گنبد بنا از مرجان دریایی بوده و از داخل با آهک صدفی اندود شده است.

در قسمت شمالی مقبره از داخل و قرنیز بقایای کاشی لعاب‌دار لاجوردی دیده می‌شود (تصویر ۳) و در بالای طاق‌نمای ضلع شمالی تزئیناتی شبیه گچ‌بری از جنس آهک صدفی اجرا شده است. در ارتفاع یک متری از کف در بخش‌هایی که تخریب شده بقایای چوب که احتمالاً کاربرد کلاف‌کشی داشته به چشم می‌خورد. همچنین در بالای ورودی بنا از غرب نیز سقف چوبی کار گذاشته شده و بخش بالایی ورودی نیز بقایای کاشی‌کاری با کاشی لعاب‌دار ایلخانی دیده می‌شود.

در اطراف بقعه، گورهای فراوانی است که از دوران مختلف اسلامی بر جای مانده‌اند. روی سنگ گورها انواع

این مکان دارای ارزش و احترام خاصی بین مردم روستا است. به این صورت که دورتادور آن قبرهای بسیاری از دوران مختلف تا امروزه مشاهده می‌شود. بنای مقبره دارای پلانی چهارضلعی است که توسط یک مصطبه از خارج به هشت ضلعی تبدیل و به گنبد ختم می‌شود (تصویر ۱).



تصویر ۱. مقبره بی‌بی تم‌سنتی

بر اساس شواهد و قرائن پیداست که در چهار طرف بنا سازه‌هایی وجود داشته که امروزه تخریب شده است. این سازه‌ها به صورت یک تل آوار در ضلع جنوبی، بقایای دو دیواره در ضلع غربی و باقی‌مانده اتاقی کوچک در ضلع شمالی و طاق‌نماهای تزئینی در ضلع شرقی به چشم می‌خورد (تصویر ۲).



تصویر ۲. طاق‌نماهای تزئینی در ضلع شرقی مقبره بی‌بی تم‌سنتی

پلان مقبره از داخل نیز چهارضلعی است که در هر ضلع در جهات اصلی یک فرورفتگی قوس‌دار کار شده است

مشخصات چند قبر از این گورستان (ثبت شده توسط امام جمعه توریان) بدین شرح است:

- قبر مرحوم السعید آقا سلطان سالاری - تاریخ وفات روز شنبه ۱۷ ربیع‌الاول سال ۸۰۰ ه.ق.
- قبر خانم صالحه بنت خواجه جمال - تاریخ وفات ۸۰۹ ه.ق.
- قبر شهیده الفردوس مکان حجی مساه بنت محمود - تاریخ وفات ماه ذی‌القعدة سال ۸۰۷ ه.ق.
- قبر سعیده شهیده فردوس مکان با مرور علی کمال - تاریخ وفات ماه جمادی‌الاول ۱۰۳۹ ه.ق با قدمت ۳۸۴ سال.

شهر حریره جزیره کیش

شهر باستانی حریره واقع در بخش شمالی جزیره کیش از توابع شهرستان بندر لنگه استان هرمزگان است که به‌عنوان یکی از نقاط دیدنی و جاذبه‌های گردشگری جنوب ایران محسوب می‌شود. عمارت اعیانی، حمام، مجموعه بندرگاه شهر، قنات‌های قدیمی و مسجد کهن از آثاری است که تاکنون در این شهر باستانی و تاریخی شناسایی شده و از زیرخاک بیرون آمده است. زمان رونق یا دوران طلایی شهر حریره کیش از سال ۳۶۷ تا ۹۱۲ ه.ق بوده و وسعت این شهر باستانی ۱۲۰ هکتار است. شهر باستانی حریره با شماره ۱۸۸۶ به ثبت آثار ملی ایران رسیده است.

بزرگانی چون ابن بطوطه، سعدی و یاقوت حموی از جمله مورخینی هستند که یا به جزیره کیش سفر کردند و یا در مورد عظمت و شکوه آن سخن گفته‌اند. استاد سخن سعدی در باب سوم کتاب معروف و شاخص خود، گلستان، با بازرگانی در جزیره کیش سخن گفته است.^۲

در حال حاضر مهم‌ترین آثار باقی‌مانده در شهر حریره شامل موارد زیر است که در بیشتر این آثار

۲. گلستان سعدی، باب سوم، در فضیلت قناعت، حکایت ۲۲

خطوط اولیه اسلامی (از جمله خط کوفی) و خطوط دوران پیشرفته و هنری خطوط اسلامی مثل نسخ و ثلث بسیار مرغوب از سده ۸ تا ۱۱ هجری به چشم می‌خورد که اکثراً در اثر خوردگی به وسیله آب باران در حال انهدام‌اند یا منهدم و خراب شده‌اند.

بیشتر خاک‌های عادی زیرپا در این مکان، مملو از کاشی‌ها و سفال‌ها و آثار باستانی خرد شده‌ای است که نشان از تمدن و وجود شهری پرجمعیت در این نقطه دارد. در بعضی کتب بی‌بی تم سنتی با نام تم سینیتی یا طم سینیتی آمده که در حقیقت باید نامی باشد که اسپانیایی‌ها به بقعه پیر داده و احتمالاً تغییر یافته «تومب سینت» یا «سینت تومب»^۱ یا (مقبره مقدس) است.



تصویر ۴. قبرهای قدیمی

در این گورستان قبور زیادی با دست‌خط حجاران و سنگتراش‌های مشابه قبور سایر گورستان‌های منطقه که دارای قدمت در حدود ۹۰۰ سال است، وجود دارد که بسیاری از این قبور در زیرخاک بوده و بعضاً گوشه‌هایی از سنگ آنها با فرسایش خاک مشخص شده است (تصویر ۴). زیارتگاهی گنبدی و مخروطی نیز در این قبرستان وجود دارد که اطلاعی از شناخت صحیح آن در بین پیران محل نبود و در متون کتب قشم و خلیج فارس نیز چیزی در مورد آن یافت نشده است.

1. Tomb Saint, or Saint Tomp

مسجد جامع

از مسجد جامع شهر حریره بقایای مناره بلند و با شکوه با پلان دایره‌ای و پلکان داخلی، پایه‌ها و ستون‌های چندوجهی متعدد برجای مانده (تصویر ۶) که از اهمیت و اعتبار بالایی برخوردار است. این مسجد دارای آب‌انباری بوده که مسقف بوده ولی سقف آن به درون آب‌انبار فرو ریخته است. در حال حاضر هیچ قسمت این مسجد مسقف نیست اما بنا به شواهد پوشش سقف مسجد ترکیبی از طاق آهنگی، طاق چهاربخشی و سقف تخت (تیرپوش) بوده است. از این مسجد یک مناره و چهار محراب شناسایی شده است.



تصویر ۶. مسجد جامع شهر باستانی حریره

از کل مساحت مسجد، ۱۲۰۰ متر به شبستان سرپوشیده یا محل نمازگزاران اختصاص داشته که حدوداً بالغ بر ۲۲۰۰ نفر نمازگزار را پذیرا بوده است. با بررسی‌های باستان‌شناختی مشخص شده است که بنای اولیه مسجد حدوداً نهصد تا هزار سال قبل از یک فضای کوچک با حداکثر سه فرش‌انداز و محرابی ساده و کوچک شروع شده و هم‌زمان با رشد جمعیت و رونق شهر بر وسعت و تزئینات آن افزوده شده است. از اواخر دوره تیموری به بعد در حدود چهارصد سال پیش این شهر رو به افول نهاد و از وسعت مسجد نیز کاسته شد. آخرین یافته‌های باستان‌شناسی، وجود بازار پررونقی را در کنار مسجد نشان می‌دهد. این

می‌توان شواهد مرتبط با معماری قرون میانی اسلامی را به وضوح مشاهده کرد:

عمارت اعیانی

در عمارت اعیانی مقدار زیادی اشیاء سفالی و تزئینات بدنه از جمله گچ‌بری و کاشی لعاب‌دار به دست آمده که عموماً مربوط به سده‌های هفتم و هشتم هجری است. ورودی اصلی بنا در ضلع غربی قرار گرفته و توسط راهرویی به حیاط مرکزی مرتبط می‌شود که احتمالاً بدون سقف بوده و راهروی دورتادور آن سقف داشته که با قوس‌هایی مزین شده بود.

اتاق‌هایی اطراف حیاط مرکزی وجود دارند (تصویر ۵) که شامل مطبخ، سرویس بهداشتی، انبارها و اتاق پذیرایی هستند. دو رشته پلکان از حیاط مرکزی به طبقه دوم منتهی می‌شود و بخش‌هایی از کف اتاق و بالکن مربوط به طبقه دوم موجود است.

اهمیت و ذخیره و استفاده از آب شیرین باعث ساخت سیستم کانال‌کشی و آب‌انبار اختصاصی در داخل بنا شده است.



تصویر ۵. اتاق‌های عمارت اعیانی شهر باستانی حریره

است که از سنگ‌های آهکی و مرجانی به همراه ملاط ساروج ساخته شده است. سرتاسر بخش شمالی به پهنای ۵ متر به خدمات، انبار و اتاق کارگر حمام اختصاص یافته است. سرپینه و گرم‌خانه و تون حمام در جنوب بخش یاد شده، قرار گرفته و توسط راهروی سرپوشیده‌ای از آن جدا شده است.



تصویر ۸. حمام شهر باستانی حریره

دو خزینۀ کوچک و بزرگ در جنوب گرم‌خانه آخرین بخش از ساختمان حمام را تشکیل می‌دهد. مطالعه بقایای موجود، گویای دو دوره ایلخانی و تیموری ساختمانی و تعمیراتی در مدت برپایی حمام است و دلیل عمده آن وجود دو خزینۀ با اختلاف سطح ۱/۵ متر است که خزینۀ قدیمی‌تر در لایه زیرین قرار دارد و خزینۀ جدید بر روی بخشی از آن ساخته شده است.

آب‌انبارها و قنات‌ها

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تأسیسات انتقال و ذخیره آب شیرین از اجزاء اصلی معماری شهر باستانی حریره بوده است. آب‌انبارهای مستطیل شکل بسیاری در ابعاد و عمق‌های مختلف در این شهر وجود دارد و نیز رشته قنات‌های متعدد از داخل شهر و مجموعه‌های مسکونی عبور کرده (تصویر ۹) و آب

بازار یادآور تجارت سودآور و پررونق بین‌المللی این جزیره با کشورهای هندوستان، چین، عربستان و زنگبار است.

بندرگاه

در حاشیه ساحلی شهر تاریخی حریره، بقایای معماری و چاه‌ها و کانال‌هایی مشهود است که در صخره‌های مرجانی و رو به دریا ساخته شده و ارتباط شهر را با دریا برقرار می‌کرده است (تصویر ۷). برخی از این کانال‌ها تا ساختمان‌های شهر نیز ادامه داشته است. رشته پلکانی در دل این صخره‌ها طبق اصول پیشرفته معماری در کم‌ترین فضای لازم تراشیده شده است و امکان حمل بار بر پشت باربران را آسان می‌کرده است.

یکی دیگر از پدیده‌های معماری این مجموعه وجود شیارهای تعبیه شده در کف اتاق‌ها موسوم به گرده‌ماهی است. بنا به نظر برخی باستان‌شناسان این شیارها به منظور تهیه و استخراج شیر خرمای ایجاد شده است.



تصویر ۷. بندرگاه شهر باستانی حریره

حمام

بنای حمام شهر تاریخی حریره (تصویر ۸) به مساحت حدود ۵۰۰ متر مشتمل بر بخش‌های مختلفی



تصویر ۱۰. گنبد سرخ

بنا از داخل و در اضلاع غیراصلی با گوشه‌سازی، نوعی هشت‌ضلعی را تداعی می‌کند که در بالای هر یک از این گوشه‌سازی‌ها، بقایای تزئینات مقرنس دیده می‌شود (تصویر ۱۱). گنبد بر مصطبه‌ای هشت‌ضلعی بنا شده و ساقه بلند گنبد روی این مصطبه باقی مانده است و در حال حاضر بر اساس این ساقه نمی‌توان نوع قوس گنبد را تشخیص داد.

در نمای بالای ساختمان، بخش مصطبه‌ای قرار گرفته که هر ضلع آن ۲/۵۰ متر طول و ۱/۶۰ متر ارتفاع دارد که گنبد بر روی آن قرار می‌گرفت. امروزه گنبد بنا فرو ریخته و بقایای باقی‌مانده آن ۱/۹۰ متر ارتفاع دارد.

آجرهای به‌کار رفته در ساخت بنا مربع‌شکل و با ابعاد ۲۲×۲۲×۵ سانتی‌متر و به رنگ قرمز بوده و برای سهولت جذب ملات در یک سطح آن فرورفتگی‌هایی به‌وسیله انگشتان دست ایجاد شده است (مانند خشت‌های پنجه کشیده). تمپیر به‌کار رفته در ساخت آجرها نیز مواد گیاهی است. برخی آجرها بافت متخلخلی را نشان می‌دهند و اغلب به دلیل پخت ناقص، مقطعی خاکستری‌رنگ دارند. قطر ملات به‌کار رفته در بین آجرها ۲ سانتی‌متر و ملات به‌کار رفته نوعی ساروج قرمز است که در داخل آن قطعات سنگریزه سفید مشاهده می‌شود. در برخی جاها نیز به جای ساروج از

آشامیدنی را که هم به مصرف ساکنین می‌رسیده و هم منبع درآمدی بوده، تأمین می‌کرده است. شهر باستانی حریره به شماره ۱۸۸۶ به ثبت آثار ملی ایران رسیده است.



تصویر ۹. آب‌انبارها و قنات‌ها شهر باستانی حریره

گنبد سرخ

بنای گنبد سرخ در جاده بندرعباس - میناب، ۶۰ کیلومتری شمال غرب بندرعباس، دهستان شمیل و روستای گنبد سرخ واقع شده است (تصویر ۱۰). این بنا آرامگاهی است که در اطراف آن قبرستان قدیمی شکل گرفته است. پلان بنا به شکل مربع بوده که در هر ضلع آن ۸/۵ متر طول داشته و در چهار جهت اصلی ساخته شده و به شکل یک چهارطاقی گنبددار است.

مصلح به‌کار رفته در این بنا آجر قرمز رنگ و ملات ساروج بوده و نمای گنبد سرخ در کل آجری است. پلان این بنا از داخل چلیپایی و از خارج مربع‌شکل است که این نوع معماری تداعی‌کننده چهارطاقی و معماری سبک پیش از اسلام است. ورودی‌های بنا طاق دار و ارتفاع آنها ۲/۳۰ متر است و در دو طرف آنها طاق‌نماهایی دیده می‌شود که ارتفاع آنها با ارتفاع ورودی یکسان است.

زیرا اولین لازمه غسلخانه وجود منبع آب در مجاورت بنا است. از آن گذشته در داخل بنا هیچ گونه نشانی از مجاری خروج و دفع آب دیده نمی شود.

مسئله قابل ذکر دیگر، نوع ابتدایی مصطبه سازی در این بنا و کم بودن ارتفاع ایوان های ورودی و قوس های آن است که اگرچه مصطبه به کار رفته بی شباهت به سایر ابنیه ایلخانی منطقه جنوب کشور نیست، اما نوع ساختار، ابعاد و ارتفاع آن نشان می دهد که این ساختار پیش از دوره ایلخانی کاربری داشته و در بناها مورد استفاده قرار می گرفته است. در اطراف بنا قبرستان شکل گرفته اما هیچ سنگ قبری دیده نمی شود و قبرها توسط توده های قلوه سنگ مشخص شده اند.

مجموعه چهارطاقی های هرمز

مجموعه چهارطاقی های هرمز در خیابان امام خمینی، میدان شهدا، در غرب بلوار شهدا قرار گرفته است. چهارطاقی شماره یک از شمال به مدرسه شریعتی (جری پولاک) از جنوب به محوطه باز و چهارطاقی شماره دو، از غرب و شرق به منازل مسکونی محدود می شود. چهارطاقی شماره دو از شمال به محوطه باز و چهارطاقی شماره یک، از جنوب شرق به محوطه باز و چهارطاقی شماره سه منتهی می گردد. چهارطاقی شماره سه از شمال به محوطه باز و منازل مسکونی، از جنوب به محوطه باز، از شمال به محوطه باز و چهارطاقی شماره دو و از غرب به بلوار شهدا محدود می شود فاصله این چهارطاقی ها به یکدیگر در حدود ۳۳ متر است. تزئینات به کار رفته در بناها شامل گچ بری مقرنس و استفاده از آجر قرمز رنگ در چهارطاقی شماره سه جهت ایجاد کتیبه از ویژگی های چهارطاقی ها محسوب می شود. چهارطاقی های هرمز هر سه روی بلندی ساخته شده اند که چهارطاقی های شماره های

گچ استفاده شده که احتمالاً نشان دهنده مرمت بنا در دوره های بعدی است.



تصویر ۱۱. گوشه سازی ها و بقایای تزئینات مقرنس گنبد سرخ

در طاق ورودی های بنا و نیز بالای بخش هشت ضلعی در نمای بنا، آجرهایی با ابعاد $۱۰ \times ۱۰ \times ۵$ سانتی متر به کار رفته که مورد اول به صورت عمودی و در مورد دوم به صورتی قرار داده شده که بخش مربع شکل آجرها (سطح آن) رو به خارج هستند. در محوطه اطراف بنا قطعات پراکنده سفال دیده می شود.

گنبد سرخ به شماره ۶۴۹۴ در فهرست بناهای تاریخی ایران به ثبت رسیده است. بر اساس پرونده پیشنهادی ثبت بنا، این بنا مربوط به سده های میانی اسلام است. در پرونده ثبتی بنا اشاره شده که کاربری بنا نامشخص است اما احتمال داده می شود با توجه به احاطه شدن گنبد توسط قبرستان، این محل غسلخانه باشد. متأسفانه بر اساس بازدید به عمل آمده و همچنین شواهد موجود می توان اظهار داشت که این بنا احتمالاً کاربری غسلخانه را نداشته و بقعه و آرامگاه یا بنای یادبود باشد

چهارطاقی شماره یک

پلان مکتب‌خانه یا چهارطاقی شماره یک (تصویر ۱۲) مربع‌شکل با ابعاد $۸/۵۰ \times ۸/۵۰$ متر و دارای چهار ورودی در چهار جهت اصلی است. ورودی‌های شمالی و شرقی نسبت به ورودی‌های جنوبی و غربی سالم‌تر هستند. بلندی دیوار بنا $۴/۵۰$ متر و ضخامت آن $۱/۵۰$ متر است بنا بر روی چهارضلعی توسط یک مصطبه یا سکو به هشت‌ضلعی تبدیل می‌شود که گنبد بر روی آن قرار می‌گرفته است.



تصویر ۱۲. چهارطاقی شماره ۱ از مجموعه چهارطاقی‌های هرمز

در وسط دو ضلع شمالی و شرقی ساقه گنبد که بر روی ورودی‌های شمالی و شرقی قرار گرفته است، فرورفتگی‌های قاب‌مانندی وجود دارد. در حال حاضر بلندی چهارطاقی شش متر است و پوشش سقف آنکه گنبدی بوده است، کاملاً تخریب شده است. در بخش درونی بنا تزئینات گچ‌بری و مقرنس‌کاری دیده می‌شود.

چهارطاقی شماره دو

پلان مکتب‌خانه یا چهارطاقی شماره دو مربع‌شکل بوده (تصویر ۱۳) که هر ضلع آن $۹/۳۵$ متر و ضخامت دیوار این بنا $۱/۴۰$ متر و بلندی آن در حال حاضر به دلیل تخریب‌های صورت گرفته $۴/۳۰$ متر است.

یک و دو از نظر پلان چهارضلعی و از درون شش‌ضلعی بوده اما چهارطاقی شماره سه هشت‌ضلعی است.

مصالح به‌کار رفته در این بناها سنگ تراشیده، لاشه‌سنگ و سنگ‌های مرجانی و نیز تیرهای چوبی در درون چهارطاقی‌ها جهت استحکام‌بخشی بناها است. ملاط به‌کار رفته در بنای چهارطاقی‌ها ساروج و گچ بوده و در تزئینات آنها از آجر استفاده شده است.

توسعه‌های عمرانی در جزیره هرمز باعث دخل و تصرفاتی در عرصه و حریم بناها شده است خصوصاً این دخل و تصرفات را در چهارطاقی شماره یک نسبت به دو چهارطاقی دیگر بیشتر می‌توان دید به گونه‌ای که در ضلع غربی آن منازل مسکونی و تعمیرگاه قایق‌های موتوری با فاصله کمی از آن قرار دارد.

در حال حاضر مجموعه چهارطاقی‌های هرمز از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. از لحاظ استحکام بنا، چهارطاقی‌های شماره‌های دو و سه نسبت به یک دارای استحکام کم‌تری بوده به‌گونه‌ای که در ضلع جنوبی چهارطاقی شماره دو، رانش دیوار کاملاً مشخص است.

در چهارطاقی شماره سه بر اثر فرسایش مصالح در بخش فوقانی درگاه شکافی ایجاد شده که در صورت عدم جلوگیری از آن احتمال تخریب بخش باقی مانده دور از انتظار نیست. چهارطاقی شماره سه نسبت به دو چهارطاقی دیگر دچار آسیب‌دیدگی بیشتری شده است. تزئینات بناها نیز به‌شدت آسیب دیده‌اند اما در چهارطاقی شماره سه آسیب‌دیدگی کم‌تر است.



تصویر ۱۴. چهارطاقی شماره ۳ از مجموعه چهارطاقی‌های هرمز

بخش بیرونی بنا است که کلمات «الله» و «محمد» در آن قابل تشخیص است. در ضمن گچ‌بری‌های مثلی شکلی در این چهارطاقی دیده می‌شود که در چهارطاقی‌های شماره‌های یک و دو وجود ندارد.

مجموعه چهارطاقی‌های هرمز (مکتب‌خانه‌ها) در گورستان قدیم هرمز قرار دارند. احتمالاً کاربری اصلی این چهارطاقی‌ها آرامگاه بزرگان هرمز بوده و گورستان قدیمی هرمز مربوط به دوره اسلامی است که تا دهه‌های اخیر دارای سنگ‌قبرهای سده‌های هشتم و نهم هجری بوده است. گورستان مذکور به دلیل بارندگی‌های شدید فصلی، رویش درختان اکاسیا و توسعه‌های عمرانی در جزیره هرمز تخریب شده است. با این حال فراوانی قطعات سفال دوره‌های میانی اسلام میانه و متأخر در اطراف این بناها مشاهده می‌شود.

تزئینات گچ‌بری و مقرنس‌های به‌کار رفته در بنا، خصوصاً در چهارطاقی شماره سه قابل مقایسه با مقرنس‌ها و گچ‌بری‌های زیارتگاه شاه نعمت‌الله ولی در کرمان (دوره تیموری) و مزار شیخ احمد بن ابوالحسن در تربت جام (مربوط به دوره ایلخانی) است.

با توجه به مطالب و مستندات فوق به احتمال قوی



تصویر ۱۳. چهارطاقی شماره ۲ از مجموعه چهارطاقی‌های هرمز

چهارطاقی شماره دو دارای چهار درگاه در چهار جهت اصلی است که اندازه آنها ۲/۵ متر پهنا و ۱/۴۰ متر عمق دارد و گنبد و ساقه آن کاملاً از بین رفته است. در بخش درونی بنا آثار تزئینات گچ‌بری و مقرنس وجود دارد. در ضلع شمالی بنا از بیرون دو سطح جاسازی که به احتمال قوی برای تزئینات کتیبه‌ای ساخته شده است، به چشم می‌خورد. اندازه این دو سطح ۱/۲۰ × ۱/۲۰ متر است.

چهارطاقی شماره سه

پلان مکتب‌خانه یا چهارطاقی شماره سه هشت‌ضلعی است (تصویر ۱۴) که هر ضلع آن ۳/۶۰ متر است بنا بر روی سکویی به بلندی حدوداً ۶۰ سانتیمتر ساخته شده است. ضخامت دیوار بنا ۱/۳۰ متر و ارتفاع آن در حال حاضر در حدود ۴ متر است.

این چهارطاقی دارای چهار ورودی در چهار جهت اصلی بنا است که تنها آثار دو ورودی در جهات شمالی و شرقی آن دیده می‌شود. اندازه درگاه‌ها ۱۱۰ سانتی‌متر پهنا و ۴۵ سانتی‌متر عمق دارند. گنبد این چهارطاقی تخریب شده و در حال حاضر فقط بخشی از ساقه گنبد به ارتفاع ۶۰ سانتیمتر باقی مانده است. تزئینات به‌کار رفته در این بنا گچ‌بری و مقرنس‌کاری است و نیز اجرای کتیبه‌ای آجری به رنگ قرمز در

شکل قلعه چندضلعی نامنظم است که به طور کلی می توان آن را به یک متوازی الاضلاع تشبیه کرد. در حقیقت شکل پلان قلعه از تلاش معماران آن برای حفظ تراز افقی با تبعیت از توپوگرافی بستر طبیعی قلعه ناشی می شود.

مساحت قلعه در حدود ۳۰۷۵ مترمربع بوده و طولانی ترین باروی آنکه در جهت جنوبی قرار گرفته، ۶۵ متر و کوتاه ترین بارو که در جهت شرقی واقع است، ۳۲ متر طول دارد.

از باروهای قلعه جز در موارد جزئی، بیشتر در محل اتصال به برجها، چیز زیادی باقی مانده است (تصویر ۱۶). در واقع امروزه از مجموعه ساختارهای معماری قلعه حاجی آباد، سه برج مدور، یک برج مستطیل شکل که احتمالاً ورودی قلعه بوده است و یک عمارت شاهنشین مستطیل شکل باقی مانده است.

عمارت شاهنشین که نام کوشک بر آن نهاده اند، در ضلع جنوبی قلعه قرار گرفته و به اندازه ای به دیوار باروی جنوبی نزدیک است که به نظر می رسد، دیوار آن بخشی از دیوار بارو بوده است که احتیاج به بررسی های دقیق تری دارد.



تصویر ۱۶. بقایای سازه های قلعه حاجی آباد

این بناها قبل از حضور پرتغالی ها در جزیره هرمز (دوره صفوی) وجود داشته است و در سده های هشتم و نهم هجری ساخته شده اند.

در سال ۱۳۴۲ آقای احمد اقتداری از چهارطاقی های این منطقه دیدن نموده و در کتاب «آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان» به کاربرد رنگ های قرمز و زرد در تزئینات چهارطاقی ها اشاره کرده است (اقتداری، ۱۳۴۸: ۷۱۹). در سال ۱۳۵۶ مرکز باستان شناسی ایران این بناها را مورد شناسایی و بررسی قرار داده و موقعیت بناها را بر روی نقشه هرمز مشخص نموده اند. همچنین سدیدالسلطنه کبابی و احمد اقتداری در آثار خود در مورد این بناها توضیحاتی ارائه کرده و قدمت آنها را به قرون میانی اسلامی نسبت داده اند (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۳؛ اقتداری، ۱۳۴۸).

قلعه حاجی آباد

قلعه حاجی آباد یکی از آثار تاریخی شهرستان حاجی آباد است (تصویر ۱۵) که امروزه قسمت اعظم آن ویران شده است. قلعه بر فراز تپه ای نسبتاً کم ارتفاع ولی مسلط بر شهر حاجی آباد و در حاشیه رودخانه ای فصلی که آن را دور می زد، ساخته شده است.



تصویر ۱۵. قلعه حاجی آباد

برج شماره چهار از نظر شکل ظاهری بسیار متفاوت از سایر برج‌ها است. شکل مستطیلی و گشودگی‌های متعدد در ساختار آن، این برج را از برج‌های دیگر که طرح مدور دارند، متمایز کرده است. به نظر می‌رسد که این برج کارکردی متفاوت از دیگر برج‌ها داشته که احتمال دارد این ساختار، نقش ورودی قلعه را ایفا می‌کرده است. برج شماره چهار دچار تخریب‌های عمده شده است. ساختمان کوشک یا عمارت شاه‌نشین به‌عنوان تنها بنای مسکونی داخل قلعه با ابعادی در حدود ۱۱/۵۰ متر در ۱۳/۵۰ متر با شکلی مستطیلی نمایان می‌شود.

نقشه کوشک دارای سه بخش شاخص است: در بخش مرکزی آن سه فضای هم‌اندازه و مستطیل شکل متصل به هم وجود دارند، در دو طرف این بخش و در جهت عمود بر آن دو اتاق بزرگ مستطیل شکل دیگر ساخته شده که ورودی بنا نیز در اتاق شمالی قرار دارد. شکل پلان و عوارض موجود در دیواره‌ها، تقریباً شکی باقی نمی‌گذارد که پوشش به‌کار رفته در اتاق‌های کوشک، نوعی از طاق آهنگ بوده است.

قدمت این قلعه تاریخی را می‌توان به قرون میانه و متأخر اسلامی از ایلخانیان تا صفویان نسبت داد و احتمالاً قلعه تا زمان صفویان مورد استفاده بوده است.

برخی از افراد مسن شهر از وجود خندقی صحبت به میان می‌آورند که گویا روزگاری در پیرامون قلعه وجود داشته اما در بررسی‌های میدانی و مطالعه نقشه توپوگرافی برداشت شده، مدرکی دال بر صحت این مدعا به دست نیامد.

در متون تاریخی ردپایی از شهری به نام حاجی آباد در این منطقه به چشم نمی‌خورد. در حقیقت تبدیل

چینه‌های گلی و خشت، مصالح اصلی به‌کار رفته در ساخت بناهای قلعه به شمار می‌روند و از این‌رو قلعه را می‌توان ساختاری خشتی محسوب کرد اما زیرسازی و کرسی چینی این ساختارها با استفاده از لاشه‌سنگ و ملاط گچ نیم‌کوب صورت پذیرفته است.

در برج‌ها، بر فراز کرسی سنگ‌چین از چینه‌های گلی برای زیرسازی دیواره‌ها استفاده شده و در ترازوی نزدیک به کف داخلی برج‌ها، جایی که فضاهای معماری شکل می‌گیرند، از خشت‌هایی به ابعاد ۲۱×۲۱ سانتیمتر استفاده شده است. بخش‌های باقی‌مانده از دیواره باروها نشان می‌دهند که بیشتر دیواره‌ها قطری در حدود ۸۵ سانتیمتر (به اندازه چهارخشت) داشته‌اند. برج شماره یک با یک پشت‌بند بزرگ خشتی در برابر رانش ناشی از شیب تند تپه محافظت می‌شود. پلان این برج به شکل مدور بوده است که اکنون بخش غربی آن به شدت دچار آسیب شده است. این برج دارای یک پی بزرگ و نسبتاً مرتفع سنگی است که در بخش جنوبی آن آسیب دیدگی موضعی به چشم می‌خورد. برج شماره دو، به دو پشت‌بند تکیه دارد که این پشت‌بندها به لحاظ ساختاری، از پشت‌بند برج شماره یک متفاوت هستند. به این معنی که پشت‌بند برج شماره یک کالبدی خشتی دارد، در حالی که جفت پشت‌بندهای برج شماره دو از لاشه‌سنگ با ملاط گچ نیم‌کوب ساخته شده‌اند. همچنین این پشت‌بندها نسبت به ارتفاع برج بلند بوده و از این‌رو قادر بوده‌اند تا سطوح فوقانی برج را در نقاط تماس به خوبی محافظت کنند.

برج شماره سه تنها برجی است که آثاری از دروازه در خود دارد. این برج نسبت به برج‌های اول و دوم دستخوش تخریب‌های زیادی شده است که به نظر می‌رسد نبود پشت‌بند در آن بسیار مؤثر بوده است. این برج روی بستری از چینه سنگی بنا شده اما بستر سنگی آن به گسترده‌گی برج‌های شماره یک و دو نیست.

امروزه آنچه از این بنا باقی مانده عبارت است از یک نمازگاه بزرگ به همراه پوشش گنبد مخروطی و یک اتاق کوچک که ضریح و قبر امامزاده در آن قرار دارد. ورودی امامزاده با مقرنس‌های تزئینی به همراه کتیبه قرآنی تزئین شده است. بعد از ورودی، نمازگاه قرار دارد که محوطه‌ای وسیع با درهای متعدد که در جوانب اصلی ایجاد کرده‌اند. کف نمازگاه با کاشی فرش شده و آزاره‌های دیوارها نیز تا ارتفاع ۵/۱ متری با کاشی‌های پنج پر تزئین شده است. نکته جالب توجه اینکه، کاشی‌ها دارای کتیبه هستند که در بیشتر آنها اشعار سعدی به کار رفته است. درون فضای بنا مزین به کاشی‌کاری زرین فام ستاره‌ای و هشت ضلعی عهد مغول است و روی کاشی‌های آن تاریخ ۷۳۸ هـ.ق نگاشته شده است. در زیر گنبد نمازگاه نواری به قطر یک متر با خط سفید بر زمینه آبی، کتیبه‌ای قرآنی دورتادور زیر گنبد را پوشش می‌دهد. در وسط زیر گنبد نیز مقرنس‌های جالبی جهت تزئین بنا به کار گرفته شده است. با یک ورودی کوچک می‌توان به اتاق مقبره که ضریح امامزاده در آن قرار گرفته، دسترسی پیدا کرد. در این اتاق دو قبر قرار دارد که یکی دارای ضریح است و دیگری ساده و بدون ضریح است که گویا قبر معمار بنا بوده که پس از فوت در این محل دفن شده است. بقعه میر محمد در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۱۶ به شماره ۲۲۰۵ در فهرست بناهای تاریخی ایران به ثبت رسیده است. مردم منطقه بر این باورند که این بقعه مدفن محمد حنفی فرزند حضرت امیرالمومنین (ع) است و کتیبه‌ای بدین مضمون نیز در داخل بنا وجود دارد که در آن ذکر شده: «هذه المشهد امیرالمومنین محمد بن امیرالمومنین علی».

درون بنا که محل بقعه پیر چهل گزو است، ضریحی

حاجی آباد از روستا به شهر و مرکزیت یافتن آن، مرهون تأسیس راه آهن در دوره پهلوی اول و متعاقب آن قرارگیری حاجی آباد در حاشیه مهم‌ترین مسیر مواصلاتی شمال به جنوب بوده است.

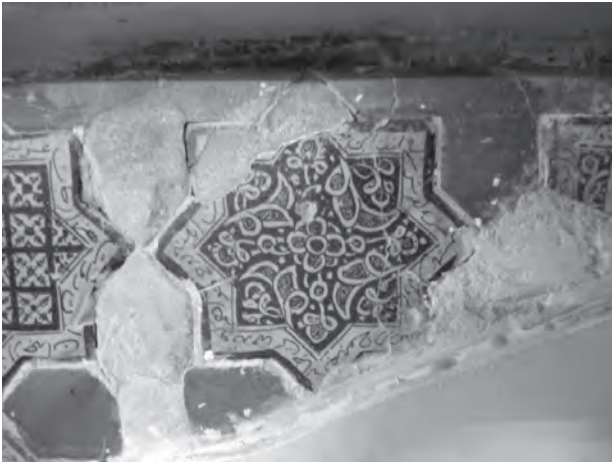
از سویی استحکامات قلعه به اندازه‌ای نیست که ساکنان آن بتوانند در برابر هجوم گسترده مقاومت کنند و از سوی دیگر، عناصری چون آب‌انبار بزرگ و فضاهای انبار آذوقه در قلعه به چشم نمی‌خورد از این رو بسیار بعید است که کاربری قلعه در نقش یک دژ دفاعی تعریف شده باشد. با توجه به پتانسیل‌های محدود دفاعی قلعه و وجود کاروانسراهای متعدد در مسیر راه‌های کاروان روی این منطقه، احتمال استفاده از قلعه به‌عنوان مقر راهبانان دور از ذهن نیست. قلعه‌هایی با مختصات مشابه به این، به وفور در مناطق مختلف کشور پیدا می‌شوند.

بقعه میر محمد

این بنا در جزیره خارک استان بوشهر قرار گرفته است (تصویر ۱۷) و بنابر اطلاعات مکتوب موجود در اداره میراث فرهنگی استان، بقعه امامزاده محمد بن حنیفه مربوط به اواخر قرن ۷ هـ.ق است که دارای دو گنبد مخروطی و از مصالح سنگ و گچ ساخته شده است.



تصویر ۱۷: بقعه میر محمد



تصویر ۱۸. زرین‌فام‌های دوره ایلخانی و تیموری

همچنین از رنگ کبالت نیز در قسمتی از کار بهره گرفته می‌شود که در زمان احیاء، رنگ آن تغییر نمی‌کند. با توجه به رنگ کاشی‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که زمان احیاء آنها قدری طولانی بوده است. در این تزئینات از طرح گره شمس و چلیپا استفاده شده و نوع رسم آن نیز گسترش از طریق بازتاب محوری است. در طراحی نقش شمس از تکنیک زرین‌فام و در نقش چلیپا از تکنیک تک‌رنگ رولعابی استفاده شده است.



تصویر ۱۹. نمایی از مقرنس زیر ایوان و کتیبه

وجود ندارد. مقبره با سنگی قدیمی و سخت به طول ۱۲ متر با تراش اسلیمی و نقش سروک‌سازی بسیار ظریف بر روی پایه‌ای مستطیل شکل به طول ۱۳/۵ متر و عرض ۲/۵ متر قرار دارد. بر روی پایه طویل، سنگ تراشیده ترنجی و اسلیمی به ارتفاع ۳۵ سانتی‌متر با دو لچک کوچک‌تر در بالا و پایین و یک اسلیمی پهن و عربض در وسط قرار دارد. در کنار این سنگ اسلیمی شکل، خطوط و نقوش ظریف در اندازه‌های مختلف به چشم می‌خورد. افزون بر آن یک قطعه سنگ بیضی شکل در داخل بقعه و بر روی آن وجود دارد که قابل جابجایی است. یک طرف دیگر تاریخ فوت شخصی را ذکر کرده‌اند.

در اطراف بقعه میرمحمد، قبرستان‌های جدید و قدیمی دیده می‌شود که اهم آنها یک آرامگاه هشت‌ضلعی است که درون آن، دو قبر وجود دارد که یکی دارای کتیبه‌ای به این مضمون است:

«وفات مرحمت بنده خلد آرامگاه حاجی محمدابراهیم اصفهانی به تاریخ ۳ شهر صفرالمظفر ۱۱۷۰».

با وجودی که قبر حاج ابراهیم اصفهانی کاملاً در مرکز این آرامگاه است، ولی کیفیت بنای آرامگاه، به صورت هشت‌ضلعی و از نظر سبک ساختمانی مانند بناهای دوره مغولی است که احتمال دارد در سال ۱۱۷۰ ه.ق جهت دفن حاجی ابراهیم اصفهانی هم مورد استفاده قرار گرفته است. از هویت حاجی محمدابراهیم اصفهانی اطلاعی در دست نیست.

ویژگی‌های هنری

در قسمت داخلی بنا با ایجاد نقش، شمس و چلیپا و استفاده از تکنیک نقاشی رولعابی و سپس تکنیک زرین‌فام در بین نقوش بهره گرفته شده است. از ویژگی‌های شاخص زرین‌فام‌های دوره ایلخانی و تیموری (تصویر ۱۸) بهره‌گیری از یک حیوان خاص یا اسطوره‌ای است که در بین نقوش قرار می‌گیرد و در حاشیه شمس و چلیپا از یک شعر استفاده می‌شود.

جنوب ایران به چشم می‌خورد که خنکی و مطلوبیت هوای درون شبستان را تأمین می‌کند. در اطراف مسجد آثار قبور از دوره‌های گذشته تا جدید دیده می‌شود که نشانگر وجود قبرستانی قدیمی در این محل است. مسجد بردستان شامل یک شبستان ورودی محراب و دو اتاق جانبی است. شبستان مسجد در خلاف قبله و تقریباً شمال به جنوب واقع است که فضایی حدود ۷۵۰ مترمربع را دربرگرفته است. ارتفاع مسجد تا سطح زمین به ۵ متر می‌رسد که به‌نظر می‌رسد مسجد بر روی صفه‌ای طبیعی بنا شده است. ورودی فعلی بنا از ضلع شرقی تعبیه شده که این ضلع دارای سه قوس ناهمگون است و از نظر ابعاد طول و عرض و ارتفاع، هیچ تناسبی با یکدیگر ندارند.

در اتاق ورودی یک ردیف پلکان مدور وجود دارد که به پشت‌بام منتهی می‌شود و در بخش‌های دیگر مانند بخش خارجی چلیپای سمت جنوب، قوس‌ها متقارن و مشابه یکدیگر هستند. مسجد دارای پوشش سقف با گنبد‌های خیز کم است. در بخش سقف داخلی آثار تزئینات مقرنس مشاهده می‌شود و جنس مصالح آن از لاشه‌سنگ بوده و در کل، بنا از لاشه‌سنگ و قلوه‌سنگ‌های طبیعی مرجانی منطقه و ملاط گچ و نوعی ملاط ساروج ساخته شده است. دیوار ضلع جنوبی ورودی چهار طاقچه به حالت چلیپایی دارد. در فضای ورودی مسجد یک قبر وجود دارد. بر بدنه قبر آیت‌الکرسی در دو سطر نوشته شده است.

دورتادور دیوارهای شبستان داخلی توسط یک نوار تزئینات گچ‌بری در شروع قوس‌ها پوشیده شده است (تصویر ۲۱). شبستان مسجد دارای دو ردیف ستون‌های شش‌تایی است که در کل دوازده ستون هستند و با اجرای قوس‌هایی در میان آنها سقف بر روی آن قرار گرفته است و هفت دهلیز در سقف آن مشاهده می‌شود. محراب

کتیبه به خط ثلث جلی و نوع تکنیک کاشی، معرق است که به‌نظر متعلق به دوره صفوی است. در قسمت بالای کتیبه از کاشی هفت‌رنگ و معرق استفاده شده است که قطعاً مربوط به دوره ایلخانی نیست و احتمال به دوره صفوی مربوط می‌شود. سازه بنا با توجه به بزرگی و عظمت ویژگی‌های دوره ایلخانی را دارد و به‌نظر می‌رسد قسمت اعظم کاشی‌کاری‌ها متعلق به دوره صفوی است (تصویر ۱۹).

نوع قوس‌های به‌کار رفته در بنا شباهت زیاد به قوس‌های دوره صفوی دارد و به‌نظر می‌رسد در دوره صفوی به لحاظ سازه‌ای نیز تغییرات زیادی به عمل آمده است. بسیاری از تزئینات نیز مانند طرح شمسه زیر گنبد متعلق به دوره معاصر است.

مسجد بردستان دیر

مسجد بردستان در شهر دیر روستای بردستان و خیابان سیدان، رو به روی پایگاه مقاومت امام سجاد (ع) واقع شده است (تصویر ۲۰). مسجد از خارج دارای پلان چلیپایی بوده و نمای آن متأسفانه توسط اهالی محل سفیدکاری شده است.



تصویر ۲۰. مسجد بردستان دیر

در بالای مسجد یک بادگیر بزرگ سبک معمول

تیر آهن و چوب به چشم می‌خورد که چوب‌ها عمدتاً از درخت کنار و یا گز است.

بر فراز شبستان، بادگیری در قسمت بالای در ورودی مسجد قرار دارد که طرفین آن دو سکوی سنگی در زیر طاقی تعبیه شده است. در این محل لوحه‌ای مرمرین قرار دارد که نشان می‌دهد بنای مسجد در سال ۱۲۷۳ هـ.ق توسط حیدرخان دشتی تعمیر شده است.

مسجد بردستان در تاریخ ۱۳۷۷/۴/۲۹ به شماره ۲۰۶۰ در فهرست بناهای تاریخی ایران به ثبت رسیده است. شالوده بنای مسجد را به عمر بن عبدالعزیز نسبت می‌دهند. یک کتیبه چوبی در مسجد وجود داشته که روی آن به صورت برجسته چنین نوشته شده بود:

«قال الله تعالی انما یعمرا لله و من آمن بالله و الیوم
الاخر و اقام اصلوه و آتی الزکوه و لم یخشی الله
وفق بتجدید عمارت هذا لمسجد المبارک الصحاب
الاعظم حاجی فخرالدین ابوبکر شاه فی سته الثنین
و خمسین و ثما...»

این کتیبه نشانگر آن است که فردی به نام حاجی ابوبکر شاه در سال ۸۵۲ هـ.ق مسجد را تجدید بنا کرده است. این کتیبه به طول ۱/۴ متر و عرض ۳۵ سانتیمتر از جنس چوب ساج به رنگ قهوه‌ای سوخته است که توسط متولی مسجد خارج از مسجد حفظ و نگهداری می‌شود.

همچنین مسجد توسط خازین منطقه یعنی خازین دشتی نیز مرمت شده است که در ورودی مسجد در لوحی مرمرین این ابیات حکاکی شده است:

چون ز حیدر شد این مسجد عالی بنا از کرامات خداوند
کریم ذوالجلال
گفت دشتی از پی تاریخش که باز مسجد و محراب شد
ز حیدر با جلال

مسجد ساده و در بخش داخلی دارای قوس و تزئینات مقرنس است و در جهت غرب به صورت پیش رفته در بدنه غربی قرار گرفته است. فضای محل محراب به عمق ۴/۵ متر و پهنای ۲/۵ متر است که به صورت طاق و تویزه ساخته شده است که در زیر آنها گچ‌بری‌هایی به صورت تزئینی مشاهده می‌شود.



تصویر ۲۱. شبستان داخلی مسجد بردستان دیر

محراب، درست در مرکز بدنه غربی مسجد ساخته شده است. مدخل محراب دارای طرح‌های ستون‌های قیطانی و پایه‌های گلدانی شکل است. روی این نوارهای قیطانی شکل ماده‌ای شفاف که احتمالاً کتیرا بوده است، کشیده شده که همچنان شفافیت آن از گذشته باقی مانده است.

در بخش پائینی محراب دو نورگیر مشبک دیده می‌شود. دور تا دور مسجد و در فواصل نزدیک، نورگیرهای مشبکی کار گذاشته شده است که تهویه هوا را انجام می‌دهند. در سقف میانی آثار کلاف‌کشی با

منابع

- اصطخری، ابراهیم بن محمد. (۱۳۴۰). مسالک و ممالک. به اهتمام ایرج افشار. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله. (۱۳۷۱). مسالک و ممالک. ترجمه سعید خاکرند. تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل با همکاری میراث فرهنگی حنفا.
- رائین، اسماعیل. (۱۳۵۰). دریانوردی ایرانیان. تهران: نشر جاویدان.
- رامهرمزی. (۱۳۴۸). ناخدا بزرگ شهریار، عجایب هند. ترجمه محمد ملک‌زاده. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- میراحمدی، مریم. (۱۳۶۷). ایران در سفرنامه مارکوپولو. تحقیقات جغرافیایی. شماره ۱۱. ص. ۱۰۹-۱۲۵
- وزیر کرمانی، احمدعلی. (۱۳۸۵). جغرافیای مملکت کرمان. تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: نشر علم.
- لسترنج، گای. (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله. (۱۳۷۶). سفرنامه ابن بطوطه. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: چاپ سپهر نقش.
- قفس اوغلی، ابراهیم. (۱۳۶۷). تاریخ دولت خوارزمشاهیان. ترجمه داود اصفهانیان. تهران: نشر گستره.
- اقتداری، احمد. (۱۳۴۸). آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان. تهران: نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر. (۱۳۷۸). نزهة القلوب. به تصحیح محمد دبیرسیاقی. قزوین: نشر طه.
- مقدسی، محمدبن احمد. (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفة القالیم. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: نشر کومش. جلد دوم.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی بن محمد. (۱۳۶۳). بندرعباس و خلیج فارس. تصحیح و مقدمه فهارس از احمد اقتداری، به کوشش علی ستایش. تهران: دنیای کتاب.

- Nadvi, S. (1933), "Commercial relations of India with Arabia", in Islamic culture. Vol. VII.

همچنین تاریخ تعمیر ۱۲۷۳ ه.ق است که توسط حیدر دشتی صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری

بر اساس مطالعه نمونه‌های بررسی شده در این پژوهش می‌توان استنتاج کرد که سبک معماری رایج در قرون میانی اسلامی و عصر ایلخانی در مناطق شمالی خلیج فارس نیز به همان شکل رایج بوده و با وجود استفاده گسترده از مصالح بومی مانند مرجان‌های دریایی که به وفور در دسترس ساکنیان این مناطق بوده، آثار معماری ساخته شده در دوره ایلخانی در مناطق شمالی خلیج فارس و جزایر آن مشابه سایر مناطق ایران هستند. این موضوع در فرم‌های معماری، استفاده از مقیاس‌های بلند و عظیم برای ایوان‌ها و گنبدها و همچنین در تزئینات این ابنیه دیده می‌شوند. در موارد مطالعه شده نمونه‌های کاشی‌زین فام، کاشی‌های معرق با همان شکل و سیاق عمومی قرون میانی اسلامی دیده شده و موضوع مورد توجه در این میان، وجود شواهدی گسترده از وجود سکونت و تجارت در این مناطق است که نشان دهنده اهمیت بسیار زیاد خلیج فارس و جزایر آن در این دوره است. وجود شواهدی از انجام تعمیرات و مرمت این ابنیه در دوره‌های بعد و تلفیق سبک کاشی هفت‌رنگ با کاشی‌های معرق ایلخانی نشان دهنده تداوم این اهمیت در دوره‌های متأخر و به‌ویژه عصر صفوی است و ازسوی دیگر وجود آثار تدفین متعدد و سنگ‌قبرهای تاریخی در اطراف این ابنیه فرصت مطالعاتی مناسبی را در اختیار پژوهشگران قرار داده است که می‌تواند بخش‌هایی از تاریخ و فرهنگ خلیج فارس را روشن کند. متأسفانه این آثار کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند و مطالعات کمی در زمینه آثار معماری مناطق حاشیه شمالی خلیج فارس و جزایر آن در قرون میانی اسلامی انجام شده است.